

نمایه



بنیادها و بنیادهای تبلیغ

محمدتقی مصباح یزدی



تبلیغ در پیشبرد اهداف جامعه بسیار مؤثر است. در این انقلاب نیز تبلیغ نقش بسیار مهمی داشت.

شبکه مبلغین عامل مهم پیروزی انقلاب

شبکه مبلغینی که نام سیدالشهدا علیه السلام و اسلام آنها را به هم پیوند می داد، در مواقع مناسب در تمام شهرها و بخشها و روستاها پراکنده می شدند و پیام

مراجع تقلید و به ویژه حضرت امام علیه السلام را به همه مردم می رساندند.

عشق به امام حسین علیه السلام مردم را در محافل دینی جمع می کرد و مبلغین هم طبق وظیفه شرعی خودشان از این موقعیت استفاده و مردم را برای انقلاب آماده

می کردند.

تلاش گروهک‌ها برای ایجاد شبکه تبلیغاتی

گروهک‌های ضد انقلاب بعد از پیروزی انقلاب و شکستی که در صحنه سیاست خوردند، به تحلیل وضع انقلاب و عوامل پیروزی آن پرداختند. لذا در صدد برآمدند که چیزی شبیه شبکه مبلغین برای خودشان درست کنند.

در همین دوسه سال اخیر بعضی از گروهک‌های منحرف، شبکه‌ای از گویندگان و سخنرانان را به وجود آوردند، که نه تنها در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ، بلکه در شهرهای کوچک و شهرک‌ها هم، پی در پی، گروهی از اساتید دانشگاه و شخصیت‌های سیاسی شان را می‌فرستند تا افکار آنان را ترویج کنند. محور فعالیت نیز ملی‌گرایی است.

چندی پیش به مناسبتی عبورم به شهرک دور افتاده‌ای که هنوز اسمش را نشنیده بودم افتاد، گفتند: فلان استاد دانشگاه که در بعضی از سمینارها و رادیو و تلویزیون شرکت می‌کند، چند روز پیش آن جا بوده و به نفع گروهی خاص تبلیغ می‌کرده است، بعداً معلوم شد که این‌ها مرتب افرادی را به شهرهای بزرگ و گاهی شهرهای کوچک و شهرک‌ها می‌فرستند و مردم را برای پذیرفتن افکار خودشان با شیوه‌هایی خاص آماده می‌کنند.

با توجه به این نکته، اهمیت تبلیغات و موقعیت مبلغان در جامعه و وظیفه بزرگی که بر دوش دارند، معلوم می‌شود.

مبلغان باید قدر خودشان را بدانند و سعی کنند از این فرصت که به برکت نام سیدالشهدا علیه السلام ایجاد شده است بهترین استفاده را بنمایند و وظیفه دینی و تبلیغی را بهتر انجام دهند. حال چه باید کرد که به بهترین وجه، ما انزل الله تبلیغ شود؟

اول) باید درباره ذهنیات و نیت و فکرمان تأمل کنیم.

دوم) در شیوه‌های رفتار و چگونگی برخوردمان با مردم تأمل کنیم.

سوم) درباره آن‌چه می‌خواهیم بگوییم و باید بگوییم دقت کنیم.



نمایه

نیت در تبلیغ

ما همه این افتخار را داریم که خادم امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» هستیم. بعضی ها جدی می گیریم و بعضی هم، در حد یک تعارف اکتفا می کنیم. ما در هر نماز می گوئیم، «السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته»، اگر این عبارت مخاطبی ندارد و کسی حرف ما را نمی شنود، برای چه می گوئیم؟ هم چنین هرگاه مشکل و یا گرفتاری سختی داریم، می گوئیم، «یا ابا صالح المهدي ادرکنی»؛ برای چه می گوئیم؟ برای آن که همه معتقدیم آن بزرگواران می شنوند.

پس وقتی می خواهیم به تبلیغ رویم، خطاب به امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» عرض کنیم: آقا جان با تو عهد می کنیم که کاری برخلاف رضایت، نکنیم و چیزی بر خلاف رضای تو نگوئیم. شما هم آقایی کن و ما را در انجام این وظیفه یاری کن. در انجام این مهم و تکلیف الهی از مولایمان استمداد کنیم. اگر چنین شد و پشتوانه معنوی داشتیم می توانیم در اصلاح جامعه بسیار مؤثر باشیم. بعد از آن هم، به عهدی که با مولایمان بسته ایم، ملتزم باشیم و نگذاریم شیطان ما را وسوسه کند و نیت ما آلوده شود و خدای نکرده، گاهی برای ارضای هوس و یا برای این که کسی را خوش آید یا کاری برای ما انجام دهد، چیزی بگوئیم. سعی کنیم اخلاص در نیت داشته باشیم.

مبلغان قاصدان امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

خودمان را قاصد انقلاب و بالاتر، قاصد شخص امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» بدانیم، که پیامی داریم و باید به مردم برسائیم، آن پیام احکام الهی و معارف دینی است. خود را مصداق این آیه شریفه بدانیم که می فرماید:
﴿الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾^۱

۱. احزاب (۳۳): ۳۹.

بابدها و نبايدهاى تبليغ

کسى که پیک و قاصد امام زمان «عجل الله تعالى فرجه الشريف» است، باید منش و رفتارش در جامعه به گونه‌ای باشد که با رسالت او متناسب باشد. فرد متکبر و خودخواه و مغرور، لیاقت سفارت امام زمان «عجل الله تعالى فرجه الشريف» را ندارد. اما مبلغ متواضع، خاکی، افتاده، بی ادعا و دل‌سوز مردم این شایستگی را دارد. «اذلة على المؤمنین»^۱. با مؤمن باید متواضع بود، افتاده بود، خاکی بود. هر کسى می‌خواهد باشد. بی سواد باشد یا با سواد. مؤمن که هست! اعتقاد به امام زمان «عجل الله تعالى فرجه الشريف» که دارد!

بی توفعى شرط توفیق

انبیاء و قتی مبعوث می شدند، می گفتند:

«و ما أسألکم علیه من اجر إن أجرى إلا على رب العالمین»^۲

رسالت انبیا و قتی اثر می کرد که مردم می فهمیدند، اینان چشم داشتی به آنان ندارند.

البته این با وظیفه‌ای که مردم دارند و مبلغان را اکرام می کنند، منافاتی ندارد. ما باید در رفتارمان با مناعت، با عزت نفس، با بی اعتنایی به دنیا و پس از آن اخلاص در نیت و تواضع در مقابل مردم برخورد کنیم. این‌ها شروط اصلی موفقیت یک مبلغ و نائب امام زمان «عجل الله تعالى فرجه الشريف» است. اگر چنین کنیم، توفیق رفیق مان خواهد بود.

توجه به گرفتاری‌های اساسی

انبیاء و قتی مبعوث می شدند، هر کدام در مقابل بلای اجتماعی و بیماری ویژه‌ای که در آن جامعه شیوع داشت، حساسیت نشان می دادند.

۱. مانده (۵): ۵۴.

۲. شعراء (۲۶): ۱۰۹.



در جامعه‌ای که کم‌فروشی و بی‌انصافی می‌کردند، می‌گفتند: «وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلك خیراً». در جامعه‌ای که اعمال شنیع و یا رباخواری رایج بود، روی همان مسأله تکیه می‌کردند.

مثل جامعه در مقابل شما مثل بیماری است که به پزشک مراجعه کرده است. اگر این بیمار چند مرض دارد، سرطان هم دارد، شما اول نباید به فکر سردرد یا شکم درد او باشید، اول باید آن چه را که کشنده است و ممکن است زودتر او را از پا در بیاورد، معالجه کرد. بعد به چیزهای دیگر پرداخت. باید اولویت‌ها را رعایت کرد. ببینید امروز جامعه ما چه بلای بزرگ‌تری دارد؟

ضدیت با ولایت آفت اساسی

امروز باید ببینیم چه چیزی اساس اسلام را در این کشور تهدید می‌کند. امروز ستون بقای نظام جامعه اسلامی ما چیست؟ این نظام اسلامی که بعد از ۱۴۰۰ سال به برکت خون هزاران شهید برپا شده است، بر چه چیزی بنا شده است. آن رکنی که اگر باشد، این نظام می‌ماند و اگر نباشد این نظام از بین خواهد رفت. آیا چیزی غیر از ولایت فقیه است؟!

آیا حوزه علمیه برای بقای ستون این نظام که ستون اسلام است، به قدر کافی کار کرده؟ آیا ابعاد و جوانب این مسأله درست روشن شده؟

چه قدر در این زمینه کار کرده‌ایم؟ چند جلسه بحث؟ چند سمینار؟ چند سخنرانی برگزار کرده‌ایم؟ اگر به مسایل دیگر پردازیم و از امهات غفلت کنیم، ضربه خواهیم خورد، گرچه مسایل دیگر هم احکام شرع است و مبلغ دین، باید همه چیز بگوید. اما باید این را هم درک کنیم که امروز مهم‌ترین مسأله جامعه اسلامی ما چیست؟

ستون اصلی که این خیمه روی آن قرار گرفته ولایت فقیه است. این مسأله را

باپدها و نپادها ی تبلیغ

خوب باید درک کنیم و به خوبی برای خودمان حل کنیم، و جواب شبهاتی که بیان شده است را یاد بگیریم.

هجمه فرهنگی مسأله بسیار مهمی است که اساس دین داری را تهدید می کند. این مسایل را باید بیشتر مورد توجه قرار بدهیم.

ارتباط با خداوند و محرومین محور فعالیت انبیا

آنچه همه انبیا و اولیا بر آن تکیه کرده اند، دو چیز است:

اول) حفظ رابطه افراد با خداوند به وسیله نماز و عبادات؛

دوم) حفظ ارتباط با مردم محروم و مستضعف به وسیله انفاق، زکات و خیرات و میرات. «اوصانی بالصلوة والزکاة مادمت حیا» این پیام همه انبیا است. اگر رابطه با خداوند ضعیف شود، ریشه ارزش ها و معنویت می خشکد. «فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاة واتبعوا الشهوات.» وقتی نماز ضعیف شد، روح نداشت، زنده نبود، در جامعه شهوات جایگزین آن می شود.

توجه به فقرا و محرومین به ویژه در این ایامی که واقعا گرانی بی داد می کند و مردم را به ستوه آورده و قشرهای حقوق بگیر - که خود ماها هم از همین قشر هستیم مرزهاش را خوب می چشیم - تحت فشار هستند.

امیدوارم که توسل به وجود مقدس حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» و ائمه اطهار علیهم السلام و قبل از هر کس توسل به این بی بی دو عالم حضرت معصومه علیها السلام را فراموش نکنید؛ جدی بگیرید، حتما ناظر برکاتش خواهید بود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱. مریم (۱۹): ۳۱.

۲. مریم (۱۹): ۵۹.